

## بررسی و ارزیابی معناشناختی واژه‌های خوف و امنیت در آیه ﴿وَلْيُبَدِّلْ لَهُم مِّنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا﴾ (نور/ ۵۵) از منظر مفسران امامیه

محمد مهدی صمصامی<sup>۱</sup>

### چکیده

آیه شریفه ۵۵ سوره نور، که به نام آیه «وَعُد» یا «استخلاف» نامیده شده است، جایگاهی ویژه در بحث مهدویت دارد. تبدیل خوف به امنیت، یکی از وعده‌هایی است که خداوند در این آیه به مؤمنان داده است.

این نوشتار درصدد است تا با روش توصیفی-تحلیلی و با بررسی تفاسیر امامیه، به شناخت معنای دو واژه «خوف» و «امنیت» دست یابد.

نتایج تبیین و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، با ابطال نظریه‌ای که خوف و امنیت را صرفاً به «خوف از کفار و دشمنان بیرونی جامعه اسلامی» و «امنیت از آنان» محدود کرده و آن را منحصر به سرزمین‌های خاصی می‌داند، نشان می‌دهد که این تبدیل در راستای هدف استخلاف - که تثبیت دین حق و عبادت خالصانه حق تعالی است - معنا می‌یابد؛ به گونه‌ای که تبدیل خوف به امنیت، از تمام عوامل درونی و بیرونی و بدون محدودیت به سرزمینی خاص، رخ می‌نماید.

**واژگان کلیدی:** آیه ۵۵ سوره نور، استخلاف، خوف، امنیت، تفاسیر امامیه

امنیت از مقوله‌های اساسی است که وجود آن در تمام ابعاد زندگی بشری احساس می‌شود و از دیرباز تاکنون در حیات انسانی، منشأ تحولات و دگرگونی‌های فراوانی شده است. پیوند معنایی ناگسستنی این اصطلاح با کلمات «اسلام»، «ایمان» و «مؤمن»، نشان‌دهنده اهمیت فوق‌العاده مفهوم امنیت است؛ مفهومی که علاوه بر قرآن و روایات، به وفور در ادعیه اسلامی و شیعی دیده می‌شود. این مفهوم در منابع اسلامی، دارای عرصه‌ای وسیع بوده و قلمروهای فردی و اجتماعی و زمینه‌های داخلی و خارجی، فکری و روحی، اخلاقی و اعتقادی، دنیایی و آخرتی را در بر می‌گیرد.<sup>۱</sup>

یکی از وعده‌های الهی به مؤمنان در آیه شریفه ۵۵ سوره نور - که به نام آیه «وعد» یا «استخلاف» نامیده شده و جایگاهی ویژه در بحث مهدویت دارد - تبدیل «خوف» به «امنیت» است. اختلاف دیدگاه مفسران درباره مفاد آیه و نیز تعیین مصداق قوم موعود، بحث را با دشواری مواجه ساخته است<sup>۲</sup> که از جمله این اختلاف‌ها، پاسخ به این پرسش است: خوف قوم موعود، چه نوع خوفی است و امنیتی که به آنان داده می‌شود، چه نوع امنیتی است؟ یا به تعبیر دیگر، معنای «خوف» و «امنیت» در آیه مذکور چیست؟

در خصوص آیه ۵۵ سوره نور و همچنین در ارتباط با دو واژه «خوف» و «امنیت»، مقالاتی نگاشته شده است که از جمله می‌توان به مقالاتی همچون: «بررسی تطبیقی تفسیر آیه وعد (نور: ۵۵) از دیدگاه مفسران فریقین (با تأکید بر شناخت قوم موعود)» نوشته فتح‌الله نجارزادگان؛<sup>۳</sup> «بررسی دلالت آیه ۵۵ سوره نور بر رجعت از دیدگاه فریقین» نوشته رضا نوروزی و محسن

۱. ر.ک اخوان کاظمی، عدالت مهدوی و امنیت، ص ۱۳۹-۱۴۵.

۲. ر.ک نجارزادگان، بررسی تفسیر آیات مهدویت و شخصیت شناسی امام مهدی علیه السلام در دیدگاه فریقین، ص ۸۳-۸۴.

۳. ر.ک همو، بررسی تطبیقی تفسیر آیه وعد (نور: ۵۵) از دیدگاه مفسران فریقین (با تأکید بر شناخت قوم موعود)، ص ۱۶۵-۱۹۱.

قاسم‌پور؛<sup>۱</sup> «بررسی مصونیت اولیای الهی از خوف و حزن با محوریت عبارت (لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ) نوشته زینب شیشه‌چی و الهه شاه‌پسند؛<sup>۲</sup> و «عدالت مهدوی و امنیت» نوشته بهرام اخوان کاظمی<sup>۳</sup> اشاره کرد. اما در هیچ‌یک از این پژوهش‌ها، معنای دو واژه «خوف» و «امنیت» در آیه مذکور به صورت مستقل بررسی نشده است. این پژوهش درصدد است با روش توصیفی-تحلیلی و با واکاوی در تفاسیر امامیه و ارزیابی آنها، به معنای این دو واژه در آیه مذکور دست یابد.

## مفهوم شناسی

### ۱. خوف

واژه «خوف» و مشتقات آن در ۱۸ سوره و ۳۰ آیه قرآن کریم به کار رفته است.<sup>۴</sup> خوف در لغت به معنای «انتظار ناپسند» است که از روی گمان یا علم ایجاد می‌شود و در برابر «امن» قرار می‌گیرد. این واژه در امور دنیوی و اخروی به یکسان کاربرد دارد.<sup>۵</sup> علامه طباطبایی نیز خوف را به معنای «انتظار ضرر» تعریف کرده است.<sup>۶</sup> آیت‌الله مکارم شیرازی در تبیین تفاوت میان خوف و حزن، خوف را مربوط به امور آینده و حزن و اندوه را مرتبط با امور گذشته می‌داند.<sup>۷</sup>

### ۲. امنیت

ریشه لغوی این واژه از ثلاثی مجرد «امن» است و با مشتقاتی مانند «ایمان»، «ایمنی» و «استیمان» است. صورت‌های فارسی و عربی این کلمه به اشکال «امنیت» و «امنیه» در متون

۱. ر.ک: نوروزی و قاسم‌پور، بررسی دلالت آیه ۵۵ سوره نور بر رجعت از دیدگاه فریقین، ص ۹۵-۱۱۲.

۲. شیشه‌چی و شاه‌پسند، بررسی مصونیت اولیای الهی از خوف و حزن با محوریت عبارت (لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ)، ص ۴۹-۶۶.

۳. ر.ک: اخوان کاظمی، عدالت مهدوی و امنیت، ص ۱۳۲-۱۵۶.

۴. ر.ک: افتخاری و نعمتی، تبیین امنیتی واژه خوف در قرآن کریم، ص ۹۲.

۵. راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۳۰۳.

۶. طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۵۹۶.

۷. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۱۹.

اسلامی یافت نمی‌شود و بیشترین توجه به این مفهوم با عبارات و مشتقات ثلاثی مجرد «أَمِنْ» صورت پذیرفته است. در مجموع، از ریشه «امن» ۶۲ کلمه مشتق شده است که حدود ۸۷۹ بار در قرآن کریم به کار رفته است. شایان توجه است که کلمه «أَمِنًا» دو بار در قرآن تکرار شده است: یک بار در سوره بقره، آیه ۱۲۵ و بار دیگر در آیه ۵۵ سوره نور.<sup>۱</sup>

در لغت، این واژه (امن) به معنای «اطمینان»، «آرامش» و «زوال خوف و هراس» تعریف شده است.<sup>۲</sup> گفتنی است که در باور برخی از محققان معاصر، امنیت در اندیشه اسلامی وضعیتی است که در پرتو آن، زمینه عبادت خداوند متعال و در نتیجه، تقرب به ذات باری تعالی فراهم می‌شود. بر همین اساس، امنیت در سطوح فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، ملی و جهانی، همگی باید در این راستا جهت‌گیری شوند.<sup>۳</sup>

### بررسی دیدگاه مفسران امامیه

قرآن پژوهان امامی در خصوص معنای خوف و امنیت دیدگاه یکسانی ندارند و معنایی متفاوتی ارائه داده‌اند که عبارتند از:

#### ۱. ایمنی از مشرکان مکه

در مورد زمان تحقق و تعیین مصداق آیه ۵۵ سوره نور، برخی از قرآن پژوهان شیعی بر این باورند که وعده حق تعالی دست‌کم یک بار در صدر اسلام تحقق یافته و عصر ظهور نیز یکی از مصادیق تحقق این وعده - یا مصداق اتم آن - به شمار می‌رود.<sup>۴</sup>

شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) به این دیدگاه گرایش دارد. وی در کتاب «التبیین» در تفسیر این آیه می‌نویسد: «خداوند در این آیه به مؤمنان دارای عمل صالح از اصحاب پیامبر اکرم ﷺ وعده داده

۱. ر.ک: اخوان کاظمی، عدالت مهدوی و امنیت، ص ۱۳۹.

۲. راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۹۰.

۳. ر.ک: افتخاری و نعمتی، تبیین امنیتی واژه خوف در قرآن کریم، ص ۹۴.

۴. نجارزادگان، بررسی تفسیر آیات مهدویت و شخصیت شناسی امام مهدی ﷺ در دیدگاه فریقین، ص ۹۹-۱۰۰.

که آنان را در زمین به خلافت برساند؛ یعنی آنان را وارث زمین از مشرکان عرب و عجم کند، همان گونه که بنی اسرائیل را پس از هلاکت ستمگران، وارث شهرهای آنان کرد و در آن سکونت داد.<sup>۱</sup>

بر این اساس، مراد از تعبیر «لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أُمَّتًا» در تحلیل شیخ طوسی چنین بیان شده است: «خداوند اصحاب پیامبر ﷺ را پیروز گردانید و با نیروی اسلام و گسترش آن، آنان را به امنیت رسانید، پس از آنکه در زمان غلبه مشرکان در مکه، در ترس به سر می بردند.»<sup>۲</sup> لازم به ذکر است که شیخ الطائفه منکر روایات تطبیق آیه بر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه نیست، بلکه آن را قول اهل بیت علیهم السلام در تفسیر آیه می داند و در این قول، به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه پس از دوران خوف و اقتدار یافتن پس از مغلوبیت اشاره شده است. او پس از بیان برخی مصادیق قوم موعود می نویسد: «اهل بیت علیهم السلام نیز می گویند: مراد از آیه، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه است که پس از خوف ظهور می کند و پس از مغلوب بودن، اقتدار می یابد.»<sup>۳</sup>

مرحوم طبرسی (متوفای قرن ششم) اگرچه تحقق وعده مذکور در آیه را منحصر به عصر ظهور دانسته، اما در شأن نزول آیه، روایتی را از ابی بن کعب بیان کرده است: ابی بن کعب گوید: «هنگامی که پیامبر خدا ﷺ و اصحابشان وارد مدینه شدند و انصار آنان را پناه دادند، تمام عرب به دشمنی با آنان برخاستند. شب ها با سلاح می خوابیدند و روزها سلاح را از خود جدا نمی کردند. گفتند: آیا روزی خواهد آمد که ما در امن و آرامش به سر بریم و تنها از خدا بترسیم؟ از این رو آیه نازل گردید.»<sup>۴</sup>

طبرسی در ادامه، در تفسیر «لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أُمَّتًا» می نویسد: «خداوند از آن پس که آنان

۱. طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۴۵۴-۴۵۵.

۲. همان، ص ۴۵۵.

۳. همان، ص ۴۵۷.

۴. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۲۳۹.

در مکه ترسان بودند، با قوّت اسلام و گسترش آن، به آنان امنیت بخشید.» وی سپس به بیان مقاتل بن سلیمان، از محدثان و مفسران قرن دوم، می‌پردازد که گفته است: «خدا به این وعده خود عمل کرده؛ آنان را در روی زمین قدرت بخشید و ترسشان را به امنیت تبدیل کرد. پس به وعده خود وفا کرده است.»<sup>۱</sup> لازم به توضیح است که طبرسی هرچند به بشارت آیه درباره رفع خوف در زمان قیام امام مهدی علیه السلام اشاره کرده، اما در خصوص چیستی مراد از «خوف» در این آیه، توضیح صریحی ارائه ننموده است.<sup>۲</sup>

## ۲. خوف در دنیا و امنیت در آخرت

مرحوم طبرسی در مجمع البیان با عبارت «قیل» معنای دیگری از تبدیل خوف به امنیت در آیه مذکور بیان می‌کند و خوف را مربوط به دنیا و امنیت را در آخرت دانسته است. وی می‌نویسد: «برخی گویند: از آن پس که در دنیا می‌ترسیدند، خداوند در آخرت آنان را ایمن می‌سازد.»

طبرسی در ادامه بیان می‌کند که این تفسیر با روایتی قدسی از رسول خدا صلی الله علیه و آله همخوانی دارد،<sup>۳</sup> که آن حضرت فرمودند خداوند می‌فرماید: «إِنِّي لَأَجْمَعُ عَلَى عَبْدٍ وَاحِدٍ بَيْنَ خَوْفَيْنِ وَلَا بَيْنَ أَمْنَيْنِ؛ إِنَّ خَافِي فِي الدُّنْيَا أَمْنُهُ فِي الْآخِرَةِ، وَإِنْ أَمِنِي فِي الدُّنْيَا خَوْفُهُ فِي الْآخِرَةِ»؛ بنده‌ام را دچار دو ترس و برخوردار از دو ایمنی نمی‌کنم. اگر در دنیا از من ترسید، در آخرت او را ایمن می‌کنم و اگر در دنیا از من در امان باشد، در آخرت او را می‌ترسانم.»<sup>۴</sup>

قمی مشهدی (م ۱۱۲۵ق) نیز در تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب به نقل مجمع البیان، همین معنا را بیان کرده است.<sup>۵</sup>

۱. همان.

۲. همان، ص ۲۴۰.

۳. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۲۳۹.

۴. همان و رک همو، مکارم الأخلاق، ص ۴۶۲.

۵. قمی مشهدی، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۹، ص ۳۳۸.

### ۳. اجمال در معنای خوف و امنیت

ابوالفتوح رازی (از مفسران قرن ششم هجری) در کتاب «روض الجنان» در ترجمه آیه ۵۵ سوره نور می‌نویسد: «و بدل کند برای ایشان از پس خوف و ترس، ایمنی؛ تا مرا پرستند و به من شرک نیاورند و با من انباز نگیرند.» وی در تفسیر آیه مذکور، مفاد آیه را مختص امام مهدی علیه السلام دانسته و یکی از ادله را که در ردّ اقوال دیگر آمده اینگونه ذکر می‌کند: «تبدیل خوف به امن حاصل نیست بر حدّ آن که از او باز گویند.»<sup>۱</sup>

ابوالفتوح در ادامه، در تبیین علت عدم تحقق کامل تبدیل خوف به امنیت در جامعه بشری می‌افزاید: تبدیل خوف به امن، معلوم است که این [وعده] به صورت عمومی و کامل محقق نشده است، مگر در برخی مواضع محدود. با این حال، در خصوص معنای دقیق «خوف» و «امنیت» در آیه مورد بحث، این تفسیر به طور مشخص به آن نپرداخته است.

### ۴. عدم بقای کافران، مشرکان، ظالمان، مخالفان، معاندن و نوابس

عبدالحسین طیب (م ۱۴۱۲ ق) در کتاب «اطیب البیان فی تفسیر القرآن» در ترجمه آیه مورد نظر می‌نویسد: و هر آینه مبدل می‌کنیم پس از خوفشان، امنیتی را تا بتوانند مرا عبادت کنند و چیزی یا کسی را با من شریک ن سازند؛ و هر که پس از این [نعمت] کافر گردد، آنان خود فاسقاند. وی آیه مذکور را مختص در دوران ظهور امام مهدی علیه السلام و رجعت ائمه اطهار علیهم السلام دانسته<sup>۲</sup> و در تفسیر عبارت «لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» می‌نویسد: ائمه علیهم السلام در دوران خود تمکن کامل نداشتند؛ هر یک گرفتار مشکلاتی بودند: امیرالمؤمنین علیه السلام گرفتار خلفای سه گانه، حضرت حسن علیه السلام گرفتار معاویه، ابو عبدالله الحسین علیه السلام گرفتار یزید، حضرت سجاد و حضرت باقر علیهم السلام گرفتار بنی مروان بودند و بقیه ائمه علیهم السلام گرفتار بنی عباس. تبدیل این خوف به امن، منحصر به دوره ظهور و رجعت است که دیگر هیچ کافر، مشرک، ظالم، مخالف، معاند و ناصبی روی زمین باقی نمی‌ماند

۱. ابوالفتوح رازی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۱۶۹ - ۱۷۰.

۲. طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۵۵۵.

و مؤمنان در کمال امن (يَعْبُدُونِي) خدا را عبادت می‌کنند و (لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا) نظام شرك برچیده می‌شود.<sup>۱</sup>

#### ۵. ایمنی از تمام عوامل بیرونی و درونی بدون محدودیت به سرزمین خاص

علامه طباطبایی پیش از پرداختن به تفسیر فرازهای آیه، پس از بیان آیه ۵۵ سوره نور می‌نویسد: این آیه، وعده‌ای زیبا برای مؤمنانِ عامل به عمل صالح است؛ خداوند به آنان وعده می‌دهد که به زودی جامعه‌ای شایسته و ویژه برایشان پدید می‌آورد، زمین را در اختیارشان می‌گذارد، دینشان را در زمین استوار می‌سازد و امنیت را جایگزین ترس پیشین آنان می‌کند؛ امنیتی که در پرتو آن، نه از نفاق و نیرنگ منافقان هراسی داشته باشند و نه از کفار و مانع‌تراشی‌هایشان؛ تا خدا را آزادانه عبادت کنند و هیچ چیزی را شریک او قرار ندهند.<sup>۲</sup>

وی در تفسیر عبارت «لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» این جمله را عطف بر «لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ» دانسته و «خوف» را به ترس مؤمنان صدر اسلام از کفار و منافقان معنا می‌کند و می‌نویسد: اصل معنا «لَيُبَدِّلَنَّ خَوْفَهُمْ أَمْنًا» بوده است؛ به عبارت ساده‌تر، می‌بایست فرموده می‌شد: «ترس آنان را به امنیت تبدیل کردیم»، اما تعبیر شده است: «ایشان را پس از ترس، به امنیت تبدیل کردیم» و تبدیل را به خود آنان نسبت داده است. این تعبیر یا از باب مجاز عقلی است، یا به دلیل حذف مضاف - که با توجه به قرینه «مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ» روشن می‌شود - و تقدیر آن «لَيُبَدِّلَنَّ خَوْفَهُمْ» بوده، و یا اینکه «أَمْنًا» به معنای «آمین» است و در این صورت، معنا چنین می‌شود: خداوند آنان را پس از ترسشان، به ایمن‌شدگان تبدیل کرد. به هر حال، مراد از خوف، همان ترسی است که مؤمنان صدر اسلام از کفار و منافقان داشتند.<sup>۳</sup>

ایشان در ادامه، عبارت «لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» را حال از ضمیر در «لَيُبَدِّلَنَّهُمْ» گرفته و

۱. همان، ص ۵۵۶.

۲. طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۲۰۹.

۳. همان، ص ۲۱۲.

معنای آن را این‌گونه بیان می‌کند: خداوند ترس آنان را به امنیت تبدیل کرد، در حالی که آنان مرا می‌پرستند و هیچ چیزی را شریک من قرار نمی‌دهند.<sup>۱</sup>

علامه طباطبایی پس از بررسی دیدگاه‌های مفسران درباره مصداق قوم موعود، می‌نویسد: اما آنچه از سیاق آیه شریفه به نظر می‌رسد - فارغ از تسامح‌هایی که برخی مفسران در تفسیر آیات قرآن داشته‌اند - این است که بی‌تردید، آیه شریفه درباره برخی از افراد امت است، نه همه امت و نه اشخاص معینی از آن؛ و این افراد، کسانی هستند که مصداق ﴿الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ باشند.<sup>۲</sup>

بر این اساس، علامه چنین بیان می‌کند: مراد از تبدیل خوف به امنیت این است که امنیت و آرامش بر جامعه آنان سایه می‌افکند؛ به‌گونه‌ای که نه از دشمنان داخلی بر دین و دنیای خود بترسند و نه از دشمنان خارجی؛ نه از دشمنی آشکار و نه از کید پنهان. اینکه برخی مفسران گفته‌اند: «مراد تنها ترس از دشمنان خارجی است، همان‌گونه که همه ترس مسلمانان صدر اسلام از کفار و مشرکان بود» سخن درستی نیست و دلیلی بر ادعای خود ندارند؛ زیرا لفظ آیه مطلق است و هیچ قرینه‌ای که مدعای آنان را اثبات کند، در آن وجود ندارد. افزون بر این، آیه شریفه در مقام امتنان است؛ و این چه منتهی است که خدا بر جامعه‌ای بگذارد که دشمن خارجی را بر آنان مسلط نکرده، در حالی که فساد از هر سو آن جامعه را فرا گرفته باشد و بلایای گوناگون آن را تهدید کند؛ نه امنیتی در جان خود داشته باشند و نه در عرض و مال؛ و تنها قدرت حاکمه حریت داشته و طبقه ستمگر در رفاه و پیشرفت باشند؟<sup>۳</sup>

نتیجه‌گیری علامه طباطبایی در میزان از مفاد آیه این است: آنچه از مجموع مطالب به دست آمد، این است که خدای سبحان به کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام می‌دهند،

۱. همان.

۲. ر.ک همان، ص ۲۱۲ - ۲۱۳.

۳. همان، ص ۲۱۴ - ۲۱۵.

وعده می‌دهد که به زودی جامعه‌ای برایشان پدید می‌آورد که به تمام معنا صالح باشد و از آلودگی کفر، نفاق و فسق پاک گردد؛ زمین را به ارث برند و در عقاید و اعمالشان جز دین حق حاکم نباشد؛ در امنیت زندگی کنند و هیچ ترسی از دشمن داخلی یا خارجی نداشته باشند؛ از نیرنگ نیرنگ‌بازان، ستم ستمگران و زورگویی زورگویان آزاد باشند.<sup>۱</sup>

در ادامه، علامه، مصداق نهایی این وعده را منحصر در عصر ظهور دانسته و می‌نویسد: پس حق مطلب این است که اگر بخواهیم معنای واقعی آیه را - با کنار گذاشتن هرگونه تعصب - به آن بدهیم، آیه شریفه جز با جامعه‌ای که به وسیله ظهور مهدی عجله الله تعالی فرجه به زودی تشکیل می‌شود، با هیچ جامعه دیگری قابل انطباق نیست.<sup>۲</sup>

حسینی همدانی در کتاب «انوار درخشان در تفسیر قرآن»، پس از بیان این مطلب که آیه مورد نظر، امت مسلمان صالح را مورد بشارت قرار داده،<sup>۳</sup> تبدیل خوف به امنیت را به معنای «ایمنی از هرگونه خطر و اختلاف» تفسیر کرده است. وی در شرح عبارت «لَيَبْدِلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» می‌نویسد: این، بشارتی دیگر به امت صالح و جوامع اسلامی است مبنی بر اینکه مسلمانان در ادوار تاریخ همواره به سبب دین اسلام، خائف و در معرض تهدید بیگانگان، هجوم و آزار کفار و همچنین دچار منافقان داخلی بوده‌اند؛ ولی در آن عصر مشخص آینده، اهل اسلام از هرگونه خطر و اختلاف در امان خواهند بود. بدیهی است این امر نیز فوق‌العاده مهم و خارق‌العاده است؛ زیرا هرگز شئون وجودی مسلمانان - تا چه رسد به دین آنان - از خطر، خوف و مزاحمت بیگانگان و ستمگران داخلی و خارجی مصون نبوده، ولی در آن عصر معین، این پدیده شگفت‌انگیز قطعاً محقق خواهد شد. با توجه به اینکه این بشارت نیز از ملزومات حاکمیت کامل احکام اسلام در جامعه بشری است، چنانچه احکام و برنامه‌های اعتقادی، عملی و اخلاقی اسلام

۱. همان، ص ۲۱۵.

۲. همان، ص ۲۱۷.

۳. حسینی همدانی، محمد، انوار درخشان در تفسیر قرآن، ج ۱۱، ص ۴۰۳.

در جوامع بشری حاکم شود و کسی از آن‌ها تخلف نوزد، لازمه قهری آن، بهره‌مندی مسلمانان از نعمت امنیت در برابر هرگونه خطر و مزاحمت و ستم، خواهد بود.<sup>۱</sup>

آیت‌الله مکارم شیرازی نیز تبدیل خوف به امنیت را به معنای مطلق آن تفسیر کرده و در جمع‌بندی مفاد آیه می‌نویسد: از مجموع آیه چنین برمی‌آید که خداوند به گروهی از مسلمانان که دارای این دو ویژگی - ایمان و عمل صالح - هستند، سه وعده داده است:

۱. استخلاف و حاکمیت بر زمین؛

۲. نشر آیین حق به صورتی اساسی و ریشه‌دار در سراسر جهان (که از تعبیر تمکین استفاده شده است)؛

۳. زوال کامل همه عوامل خوف، ترس، وحشت و ناامنی.

و نتیجه این مواهب آن خواهد بود که آنان با کمال آزادی، خدا را پرستش می‌کنند، فرمان‌های او را گردن می‌نهند، هیچ شریک و مانندی برای او قائل نمی‌شوند و توحید خالص را در همه جهان می‌گسترانند.<sup>۲</sup>

آیت‌الله سبحانی در جلد سیزدهم کتاب «منشور جاوید»، با عنوان «اصول اخلاقی و اجتماعی در قرآن» و در ذیل اصل بیست‌وهشتم با عنوان «سنت‌های تغییرناپذیر خدا در تاریخ انسان‌ها»، از آیه ۵۵ سوره نور به عنوان یکی از آیات کلیدی یاد کرده است.<sup>۳</sup> وی از این آیه، دو محور اصلی «وراثت صالحان بر زمین» و «استقرار آیین خداوند، همراه با گسترش امنیت جهانی» را برداشت نموده و در خصوص گسترش امنیت می‌نویسد: قرآن معتقد است که سرانجام، خداوند آیینی را که برای بندگان خود پسندیده است، در سراسر زمین مستقر خواهد ساخت؛ آیینی که از هرگونه شرک و دوگانه‌پرستی پیراسته است. در آن روز، امنیت، همه‌جای جهان را فرا خواهد گرفت؛

۱. همان، ص ۴۰۵ - ۴۰۶.

۲. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۵۲۸.

۳. سبحانی، منشور جاوید، ج ۱۳، ص ۴۲۹.

پیروان حق، بدون واهمه و ترس، خدای یکتا را پرستش خواهند کرد و دیگر اثری از تقیه و مماشات با مخالفان و گروه‌های باطل باقی نخواهد ماند.<sup>۱</sup>

### بررسی و ارزیابی دیدگاه‌ها

تبدیل خوف به امنیت که در فراز «لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» آمده است، به نوعی از شأن و وضعیت قوم موعود خبر می‌دهد. ارتباط میان این جمله و جمله پس از آن، یعنی «يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»، نشان می‌دهد که این تبدیل در راستای هدف استخلاف - که تثبیت دین حق و عبادت خالصانه حق تعالی است - معنا می‌یابد. خداوند تضمین کرده است که خوف آنان را به امنیت مبدل سازد تا بتوانند خالصانه و بدون هیچ آلودگی شرکی - از جمله شرک در خوف - به پرستش او بپردازند.<sup>۲</sup>

در نتیجه، جامعه مؤمنان برای برپایی مراسم دینی و شعایر الهی، هیچ دغدغه و مانعی نخواهد داشت و از سوی دشمنان داخلی و خارجی، مورد تحقیر، تمسخر یا تهدید قرار نخواهند گرفت.<sup>۳</sup>

در خصوص ماهیت این امنیت، از مفاد آیه مورد نظر، آیات مربوط به اظهار دین<sup>۴</sup> و همچنین روایات<sup>۵</sup> می‌توان برداشت کرد که این امنیت در ابعاد گوناگون معنوی، اخلاقی، معیشتی (اقتصادی)، انتظامی و روانی تحقق خواهد یافت. با سیطره دین حق، امنیت معنوی و اخلاقی تجلی می‌یابد و بستری برای رشد معنویت و فضایل اخلاقی فراهم می‌شود. جامعه از نظر اقتصادی و انتظامی نیز در امنیت خواهد بود، زیرا ریشه‌های ناامنی خشکیده می‌شود. ریشه‌های

۱. همان، ۴۴۹.

۲. رک: نجارزادگان، بررسی تفسیر آیات مهدویت و شخصیت شناسی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در دیدگاه فریقین، ص ۱۲۰-۱۲۱.

۳. همان، ص ۱۸۰.

۴. توبه: ۳۳؛ فتح: ۲۸؛ صف: ۹؛ فتح: ۲۸.

۵. رک: صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۵۶-۳۵۷.

نامنی انتظامی و اقتصادی در جامعه، عمدتاً فقر و محرومیت است که با برپایی عدالت توحیدمحور، ریشه‌کن می‌گردد. عامل دوم ناامنی، بی‌تقوایی و حرص فزون خواهان است که در جامعه‌ای با بستر تقوای پیشگی، این عامل نیز رو به افول می‌رود؛ به ویژه آنکه قدرت حاکم، از تحرکات کسانی که از تقوا سر می‌پیچند، جلوگیری می‌کند.

بنابراین، ریشه این امنیت را باید در دینداری حاکمیت و جامعه جستجو کرد. گاهی آسایش بر اثر ترس از قدرت قاهره پدید می‌آید، به گونه‌ای که صالح و طالح، بر اساس ترس از بی‌عدالتی قدرتمندان، به امنیتی موقت و کاذب دست می‌یابند؛ اما اگر محرک اصلی امنیت، «تقوای الهی» و التزام زمامداران و آحاد مردم - هر یک به سهم خود - باشد، در این صورت امنیتی پایدار و واقعی برای همگان برقرار شده و ریشه آن، ترس از قدرت ستمگران نخواهد بود.<sup>۱</sup>

نکته درخور توجه آن است که این سنخ از تبدیل خوف به امنیت، هنوز به معنای مطلق خود در جغرافیای زندگی مسلمانان محقق نشده است و همواره در حدّ خوف از دشمنان بیرونی و درونی در میان جامعه مسلمانان مطرح بوده و هست؛<sup>۲</sup> و همان گونه که علامه طباطبایی بیان کرده است، تحقق کامل و جهانی آن، تنها در روزگار امام مهدی عجله الله تعالی فرجه و عصر ظهور آن حضرت عجله الله تعالی فرجه خواهد بود.<sup>۳</sup>

## نتیجه گیری

با بررسی تفاسیر امامیه در خصوص معنای دو واژه «خوف» و «امنیت» در آیه «لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» به نتایج زیر می‌رسیم:

۱. همان گونه که در تعیین مصداق قوم موعود میان مفسران اختلاف دیدگاه وجود دارد، در

۱. ر.ک: نجارزادگان، فتح الله، بررسی تفسیر آیات مهدویت و شخصیت شناسی امام مهدی در دیدگاه فریقین، ص ۱۸۰ - ۱۸۱.

۲. ر.ک: همان، ص ۹۸.

۳. طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۲۱۵.

تفسیر «خوف» و «امنیت» نیز معانی متفاوتی ارائه شده است؛ از جمله: ایمنی از مشرکان مکه، خوف در دنیا و امنیت در آخرت، نابودی کافران، مشرکان، ظالمان، مخالفان، معاندان و ناصیبان، و نیز ایمنی از همه عوامل بیرونی و درونی.

۲. از میان این دیدگاه‌ها، با توجه به اطلاق آیه، تنها می‌توان نظریه‌ای را پذیرفت که خوف و امنیت را به صورت مطلق معنا کرده و تبدیل خوف به امنیت را به معنای «ایمنی از همه عوامل بیرونی و درونی» دانسته است. بر این اساس، تبدیل خوف به امنیت در جامعه مؤمنان با هرگونه بی‌ثباتی و ناامنی درونی و بیرونی ناسازگار است و فتنه‌ها و جنگ‌های داخلی را برنمی‌تابد.

۳. ارتباط میان جمله «لِيُبَدِّلَهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» و جمله پس از آن، «يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»، نشان می‌دهد که این تبدیل در راستای هدف استخلاف - که تثبیت دین حق و عبادت خالصانه حق تعالی است - معنا می‌یابد. و خداوند تضمین کرده است که خوف آنان را به امنیت تبدیل کند تا در نهایت آزادی، خدا را پرستش کنند، فرمان‌های او را بپذیرند، هیچ شریک و مانندی برای او قائل نشوند و اثری از تقیه در رفتار آنان باقی نماند.

## فهرست منابع

### قرآن کریم

۱. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، محققان: محمد مهدی ناصح و محمد جعفر یاحقی، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد، ۱۴۰۸ ق
۲. اخوان کاظمی، بهرام، *عدالت مهدوی و امنیت*، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۱۳، مهر ۱۳۸۳
۳. افتخاری، اصغر و نعمتی، نعمت، *تبیین امنیتی واژه خوف در قرآن کریم*، فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، شماره ۲۹، بهار ۱۳۹۸
۴. حسینی همدانی، محمد، *انوار درخشان در تفسیر قرآن*، محقق: محمدباقر بهبودی، لطفی، تهران، ۱۴۰۴ ق
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات ألفاظ القرآن*، محقق: صفوان عدنان داوودی، دار الشامیة، لبنان، ۱۴۱۲ ق
۶. سبحانی، جعفر، *منشور جاوید*، چاپ: ششم، موسسه امام صادق علیه السلام، قم، ۱۳۹۴
۷. شیشه چی، زینب و شاه پسند، الهه، *بررسی مصونیت اولیای الاهی از خوف و حزن با محوریت عبارت «لَا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَلَا هُمْ یَحْزَنُونَ»*، فصلنامه علمی - ترویجی مشکوة، شماره ۱۳۸، خرداد ۱۳۹۷
۸. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *کمال الدین و تمام النعمة*، چاپ دوم، محقق: علی اکبر غفاری، اسلامیه، تهران، ۱۳۹۵ ق
۹. طباطبایی، محمد حسین، *ترجمه تفسیر المیزان*، چاپ پنجم، مترجم: محمدباقر موسوی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۴
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، چاپ سوم، محققان: فضل الله

یزدی طباطبایی و هاشم رسولی، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲

۱۱. \_\_\_\_\_، **مکارم الأخلاق**، چاپ: چهارم، الشریف الرضی، قم، ۱۴۱۲ ق

۱۲. طوسی، محمد بن حسن، **التبیان فی تفسیر القرآن**، محقق: احمد حبیب عاملی، دار احیاء

التراث العربی، لبنان، بی تا

۱۳. طیب، عبدالحسین، **اطیب البیان فی تفسیر القرآن**، چاپ دوم، اسلام، تهران، ۱۳۶۹

۱۴. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، **تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب**، محقق: حسین

درگاهی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸.

۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، چاپ دهم، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۷۱

۱۶. نجارزادگان، فتح الله، **بررسی تطبیقی تفسیر آیه وعد** (نور: ۵۵) از دیدگاه مفسران فریقین

(با تأکید بر شناخت قوم موعود)، دوفصلنامه علمی - پژوهشی قرآن شناخت، شماره ۶، پاییز و

زمستان ۱۳۸۹

۱۷. \_\_\_\_\_، **بررسی تفسیر آیات مهدویت و شخصیت شناسی امام مهدی علیه السلام**

**در دیدگاه فریقین**، چاپ سوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۴۰۲

۱۸. نوروزی، رضا و قاسم پور، محسن، **بررسی دلالت آیه ۵۵ سوره نور بر رجعت از دیدگاه**

**فریقین**، دوفصلنامه پژوهش های تفسیری تطبیقی، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۹۹